فصلنامه علمی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»
سال شانزدهم: شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۵
صفحات: ۲۱۵ – ۱۹۶
شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/RJIR.2026.33536.4127
«مقاله‌ی پژوهشی»

Pažuhešhnâme-ye Enghelâbe Eslâmi
A Quarterly Scientific Journal
on Islamic Revolution
Vol 16, No 59, Summer 2026

«دانش» ساخت بمب اتمی در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در سایه فتوای حرمت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

رضا سلیمانی[۱]

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی جایگاه دانش فنی ساخت سلاح هسته‌ای در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب فتوای آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای درباره حرمت ساخت، نگهداری و به‌کارگیری سلاح‌های کشتارجمعی انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با استفاده از تحلیل استدلالی متون فقهی و اصولی، مفاد فتوا، بیانات مرتبط و ادبیات مطالعات بازدارندگی، ادله موافق و مخالف تحصیل دانش فنی ساخت سلاح هسته‌ای را بررسی می‌کند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که صرف مقدمه‌بودن دانش فنی برای ساخت سلاح هسته‌ای، بدون احراز ملازمه مؤثر آن با فعل حرام، برای اثبات حرمت مستقل آن کافی نیست. بااین‌حال، تفکیک دانش از ساخت نیز به‌تنهایی جواز مطلق تحصیل این دانش را اثبات نمی‌کند؛ زیرا قصد تحصیل و کاربرد، میزان ارتباط با فعل ممنوع و مصلحت و مفسده مترتب بر آن باید بررسی شود. همچنین برخورداری از توان فنی، به‌خودی‌خود بازدارندگی معتبر ایجاد نمی‌کند و تحقق این کارکرد به ادراک طرف مقابل از قابلیت و اراده سیاسی دولت وابسته است.

نتیجه‌گیری: جایگاه دانش فنی ساخت سلاح هسته‌ای در راهبرد بازدارندگی ایران را نمی‌توان به‌صورت مطلق مجاز یا ممنوع ارزیابی کرد؛ بلکه این موضوع نیازمند بررسی مبانی فقهی فتوا، شرایط موضوعی و مصلحت و مفسده مترتب بر تحصیل و کاربرد این دانش است.

کلیدواژه‌ها: فتوای حرمت، دانش فنی ساخت سلاح هسته‌ای، بازدارندگی، مقدمه حرام، فقه‌المصلحه، اراده سیاسی

۱- دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Email: rsoleimani@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸

مقدمه

تصویب و ابلاغ «قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» توسط مجلس یازدهم در واکنش به خروج غیرقانونی دولت ترامپ از برجام و بی‌عملی اروپایی‌ها در جبران خسارت‌های وارده به ایران؛ طولانی‌شدن و عقیم‌ماندن مذاکرات احیای برجام در دولت دوازدهم؛ و چشم‌انداز مبهم سیاست رفع تحریم در دولت سیزدهم از یک‌سو و نیز سفر تحریک‌کننده جو بایدن رییس جمهور دموکرات آمریکا به غرب آسیا در ژوئیه ۲۰۲۲ با درون‌مایه ضدایرانی از سوی دیگر و از همه مهم‌تر تحمیل دو جنگ وجودی به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی طی کمتر از یک سال، زمینه تقویت ادبیات جدیدی را توسط برخی مقامات رسمی فراهم آورده که محور اصلی آن تصریح به «توان» ساخت بمب اتمی توسط متخصصان اتمی و تفکیک این توان از «تمایل» به ساخت و استفاده از این سلاح کشتار جمعی است. به عبارت دیگر، «فقدان اراده سیاسی» تهران برای ساخت چنین تسلیحاتی در عین حفظ قابلیت و زیرساخت‌های فنی مهم‌ترین موضوع قابل طرح در چارچوب این ادبیات جدید است.

اولین بار این کمال خرازی، رئیس فقید شورای راهبردی روابط خارجی و مشاور ارشد آیت‌الله خامنه‌ای، بود که رسما از توانایی فنی ایران برای ساخت بمب اتمی خبر داد: «ما توانستیم در عرض چند روز اورانیوم با غنای ۶۰ درصد تولید کنیم و می‌توانیم به‌راحتی اورانیوم با غنای ۹۰ درصد تولید کنیم. بر کسی پوشیده نیست که ما توانایی فنی ساخت بمب هسته‌ای را داریم اما تصمیم به انجام چنین کاری نداریم» (خرازی، مصاحبه با الجزیره، ۲۰۲۲/۰۷/۱۷). ساعاتی پس از این مصاحبه، محمدجواد لاریجانی، معاون اسبق وزارت امور خارجه، نیز در اظهارات مشابهی تصریح کرد: «اگر به این نتیجه برسیم که سلاح هسته‌ای بسازیم، کسی نمی‌تواند جلو ما را بگیرد» (لاریجانی، گفتگوی ویژه شبکه‌خبر، ۲۰۲۲/۰۷/۱۷). ادبیات توان فنی ساخت بمب اتمی در مصاحبه محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران (اسلامی، مصاحبه با خبرگزاری فارس، ۲۰۲۲/۰۸/۰۱)؛ و برخی نمایندگان مجلس نیز تکرار شده است. چنان‌که، علیرضا سلیمی، عضو اسبق هیئت رئیسه مجلس، تصریح کرده بود: «ما توان ساختن بمب را داریم اما فتوای شرعی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای مانع ما است؛ این را همه بدانند» (سلیمی، صحن علنی مجلس، ۲۰۲۲/۰۸/۰۳). به‌طرز مشابهی اظهارات برخی مقامات ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با محوریت احتمال خروج از ان.پی.تی و تغییر دکترین هسته‌ای ایران در صورت اقدام آمریکا به تکرار جنگ همه‌جانبه علیه ایران در میانه جنگ تحمیلی سوم (جنگ رمضان) (رضایی، خبرگزاری فارس، ۲۰۲۶/۰۷/۰۸). این اظهارات البته صرفاً به اظهار نظر مقامات فوق محدود نمی‌شود و تا مرز فتوای رسمی یکی از مراجع تقلید نیز پیش می‌رود. چنان‌که آیت‌الله سیدمحمدجواد علوی بروجردی در پاسخ به استفتا خبرنگار انصاف نیوز مبنی بر این‌که «آیا به‌دست آوردن دانش و ظرفیت عملی ساخت بمب هسته‌ای و نه ساخت بمب، حرام است؟» اعلام کرد: به‌دست آوردن دانش و ظرفیت عملی اشکال ندارد» (علوی‌بروجردی، تاریخ فتوا: ۲۰۲۲/۰۲/۰۵). این‌گونه پاسخ‌ها حاکی از صورت‌بندی تدریجی اراده سیاسی در برخی لایه‌های حکومتی در خصوص اضافه کردن عنصر «اراده سیاسی» بر قابلیت‌های فنی ساخت بمب اتم است.

این اظهارات سیاسی و فتوای فقهی با برخی تحلیل‌های خارج از ایران در خصوص توانمندی فنی تهران منهای اراده سیاسی آن برای تولید بمب اتمی سنخیت دارد. به‌عنوان نمونه روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی در سال ۲۰۰۹ به نقل از یک کارشناس بلندپایه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدعی شده است که «ایران از اطلاعات و داده‌های کافی برای طراحی و تولید بمب اتم» برخوردار است (براد[1] و سنگر[2]، ۲۰۰۹/۱۰/۳: ۲-۱). همچنین برخی مقامات رژیم صهیونیستی طی دو دهه گذشته، همواره گزاره قریب‌الوقوع بودن نیل تهران به «نقطه گریز اتمی» یا حتی عبور از این نقطه «غیرقابل بازگشت» را مورد تأکید قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه با آغاز سال ۲۰۱۰، پیام‌های تبلیغاتی اسراییل به این سمت هدایت شد که ایران از «نقطه گریز اتمی»[3] عبور کرده است. از جمله «عاموس آدلین»، مدیر اداره اطلاعات نظامی اسراییل در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ در مصاحبه‌ای تصریح کرده بود که ایران خط قرمز فنی اتمی را رد کرده است (یالدین[4]، ۲۰۰۹/۰۳/۰۸).

مشابه با چنین ادعاهایی می‌توان به تحلیل «مایومی فوکوشیما» دیپلمات سابق ژاپن و متخصص امنیت هسته‌ای در مؤسسه رند[5] در مقاله‌ای برای نشنال اینترست با عنوان *«مذاکرات بیهوده»* ارجاع داد که تصریح کرده بود هدف راهبرد اتمی تهران، پیگیری استراتژی «نهفتگی» است. به باور او منطق سیاسی و امنیتی کنونی حکم می‌کند که کشورهایی مانند ایران، «برنامه هسته‌ای نهفته» مبتنی بر ظرفیت تولید سوخت هسته‌ای بدون حرکت غیرقانونی به سمت تولید تسلیحات، داشته باشند. به ادعای وی رهبران ایران، اغلب ژاپن را الگوی مناسبی در نظر گرفته و استدلال می‌کنند که اگر ژاپن مجاز به داشتن فن‌آوری چرخه سوخت هسته‌ای و همزمان ماندن در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است، ایران نیز باید این گزینه را داشته باشد (فوکوشیما[6]، ۲۰۲۱/۰۶/۲۸: ۱). همچنین «مروان بشاره»، تحلیلگر برجسته شبکه الجزیره نیز به‌طور مشابهی مدعی شده بود: «در این برهه از زمان، ایران ممکن است بیشتر علاقه‌مند باشد که به یک کشور هسته‌ای نهفته مانند ژاپن تبدیل شود تا یک قدرت هسته‌ای [تسلیحاتی] مانند هند، پاکستان یا اسرائیل. این نه تنها منطبق بر خط مشی رسمی ایران است که سلاح‌های هسته‌ای را «غیراخلاقی» می‌داند، بلکه واقع‌بینانه‌تر از تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای، و البته دست یافتنی‌تر از همیشه است» (بشاره[7]، ۲۰۲۱/۱۱/۲۹: ۲). در این راستا، پرسش قابل طرح آن است که دانش ساخت بمب اتمی چه جایگاهی در راهبرد بازدارندگی ایران در سایه فتوای رهبری مبنی بر حرمت شرعی ساخت، نگهداری و به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی دارد؟ مقاله پیش‌رو بر آن است تا ضمن بررسی این موضوع، ادلّه فقهی

1. Broad
2. Sanger
3. nuclear escape point
4. Yadlin
5. RAND
6. Fukushima
7. Bishara

موافقت و مخالفت با جواز توان فنی(دانش) ساخت بمب اتمی را با توجه به فتوای حرمت رهبری فقید مورد بحث و بررسی قرار دهد.

پیشینه تحقیق

نقطه متمایزکننده مقاله پیش‌رو از برخی آثار منتشر شده مرتبط با موضوع بحث، به بدیع بودن موضوع مورد مطالعه این پژوهش بر می‌گردد. به دیگر سخن، آثاری که با موضوع جایگاه تسلیحات کشتار جمعی در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را از منظر فقهی به نگارش درآمده‌اند، این مسئله را عمدتاً در سه مرحله «ساخت»، «نگهداری» و «به‌کارگیری» مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و به مرحله «پیشاساخت» یا مرحله «نهفتگی هسته‌ای» توجهی نداشته‌اند:

علیدوست (۲۰۱۸) عمدتاً برخی از نظرات مشهور دال بر ممنوعیت ساخت، انباشت و سلاح‌های اتمی به‌کارگیری مورد بحث و بررسی قرار داده است. لیکن درباره اختلافات فقهی در جواز یا عدم جواز حصول «دانش ساخت» تسلیحات مزبور آن سخنی به میان نیاورده است. احسانی‌فر (۲۰۱۶: ۱۸۸–۲۲۵) به دلایل منع و جواز «ساخت» تسلیحات اتمی می‌پردازد و نهایتا دلایل منع را مستدل‌تر می‌داند. لیکن این مقاله هم اساساً «دانش ساخت» را مورد بحث قرار نمی‌دهد و موضوعاً نمی‌تواند مرتبط با موضوع مقاله پیش‌رو باشد.

داودی‌لیمونی و داودی‌لیمونی (۲۰۱۵: ۵۱–۷۲) نیز عمدتاً از منظر تطبیقی به حرمت ساخت سلاح اتمی از منظر حقوق بین‌المللی عرفی و اسلامی پرداخته‌اند و در این راستا ضمن اینکه تنوع درونی فقهی در خصوص جواز یا عدم جواز تولید و استفاده از تسلیحات اتمی را بررسی نمی‌کنند، اساساً دانش و فناوری ساخت را در مرکز توجه خود قرار نداده‌اند. حسینی (۲۰۱۱: ۱۲۳–۱۴۴) و همچنین قربان‌نیا و اخگری‌بناب (۲۰۱۱: ۱۰۴–۷۳)، عمدتاً از منظر نقض اصل تفکیک (تفکیک نظامیان از غیرنظامیان) به بررسی حرمت فقهی «به‌کارگیری» تسلیحات کشتار جمعی اهتمام ورزیده‌اند و موضوع دانش و فناوری منتهی به تولید چنین تسلیحاتی خارج از دایره موضوعی بررسی‌های این دو مقاله قرار می‌گیرند. یوسف‌وند (۲۰۱۳: ۱۱۱–۱۳۲)، رفتار دولت‌های هسته‌ای در شرایط وقوع جنگ اتمی را از منظر نقض حتمی حقوق بشردوستانه مورد بررسی قرار داده و از این منظر حرمت به‌کارگیری را با عنایت به شرایط نقض حقوق بشردوستانه از جمله تخریب محیط زیست نسل‌فعلی و نسل‌های آینده بشریت، تحلیل کرده است. آیتی و شادروان (۲۰۰۸: ۶۱–۸۴) بر روایی یا ناروایی کاربست قاعده مقابله‌به‌مثل هسته‌ای از دو منظر فقه شیعه و حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند و نتیجه می‌گیرند که چنین جوازی در فقه شیعه در پوشش این قاعده وجود ندارد. مع‌الوصف، این مقاله نیز همانند سایر مقالات فوق‌الذکر یک جنبه از جنبه‌های فقهی–حقوقی «ساخت»، «انباشت» و «به‌کارگیری» تسلیحات هسته‌ای پرداخته است و اهتمامی به بررسی جواز یا عدم جواز مراحل علمی و فناورانه پیش از آغاز جنگ اتمی نمی‌ورزد. سلیمانی و حسینی (۲۰۲۱: ۲۰۷–۲۳۶) نیز ضمن تمرکز بر برخی آیات قرآنی و ادله فقهی مشوق تسلیح یک نظام اسلامی به آخرین تجهیزات نظامی روز، کوشیده‌اند به نحوی استدلالی علل خروج تسلیحات کشتار جمعی از جمله سلاح‌های اتمی را از شمول تسلیحات مجاز

دارای خاصیت بازدارندگی نظامی تبیین نمایند. مع‌الوصف، این مقاله نیز همانند سایر آثار مورد بررسی نگارنده به جایگاه دانش، فناوری و «توان» فنی ساخت تسلیحات اتمی التفاتی نمی‌کند.

بدین‌ترتیب تفاوت و نوآوری مقاله پیش‌رو در مقایسه با آثار پیشین مرتبط در دو نکته خلاصه می‌شود: نکته اول این است که این نوشتار بر خلاف پژوهش‌های پیشین صرفاً به برررسی‌های فقهی در خصوص توانمندی نظامی اتمی اکتفاء نمی‌کند و مشخصاً فتوای رهبری مبنی بر حرمت تولید و به‌کارگیری تسلیحات مزبور را نیز بررسی می‌کند. نکته دوم، همان‌گونه که اشاره شد، با پیش‌فرض گرفتن حرمت هرگونه ساخت، انباشت و به‌کارگیری، مرحله دانشی و فناورانه پیشاساخت تسلیحات ممنوعه مزبور را که در ادبیات رایج بین‌المللی، از آن به مرحله «گریز/فرار هسته‌ای» یا نقطه «غیرقابل بازگشت» تعبیر می‌شود مورد مداقه قرار می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، بنیادی و از حیث روش، توصیفی ـ تحلیلی است و با رویکردی میان‌رشته‌ای، مبانی فقهی و اصولی مسئله دانش فنی ساخت سلاح هسته‌ای را در پیوند با ملاحظات راهبردی بازدارندگی بررسی می‌کند. داده‌های پژوهش به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و سه دسته منبع را در برمی‌گیرند: نخست، متون فقهی و اصولی مرتبط با احکام مقدمه حرام، مقدمه واجب، صناعات محرمه و نسبت میان مقدمه و ذی‌المقدمه؛ دوم، متن فتوا و بیانات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای درباره سلاح‌های کشتارجمعی و برنامه هسته‌ای ایران؛ و سوم، آثار علمی و تحلیلی مرتبط با بازدارندگی هسته‌ای، نهفتگی هسته‌ای و مفهوم زمان گریز.

روش تحلیل داده‌ها، تحلیل استدلالی و مفهومی است. بدین منظور، ابتدا میان مراحل مختلف فعالیت هسته‌ای، از دانش عمومی و فناوری صلح‌آمیز تا دانش تخصصی طراحی سلاح، ساخت، نگهداری و به‌کارگیری آن، تفکیک مفهومی صورت می‌گیرد. سپس ادله موافق و مخالف جواز دانش فنی ساخت، با توجه به مبانی اصولی و فقهی هر استدلال، ارزیابی می‌شود. در مرحله بعد، نسبت این یافته‌ها با منطق بازدارندگی و نقش متغیرهایی مانند قابلیت فنی، اعتبار تهدید و اراده سیاسی تحلیل می‌شود. در نهایت، با لحاظ ملاحظات فقه‌المصلحه، شرایط موضوعی و نسبت مصلحت و مفسده، جایگاه دانش فنی ساخت در راهبرد بازدارندگی ایران ارزیابی خواهد شد. دامنه پژوهش ناظر به بررسی فقهی و راهبردی «دانش فنی ساخت» است و قصد ندارد درباره امکان‌پذیری فنی تولید سلاح هسته‌ای در ایران یا زمان دقیق دستیابی به آن داوری مستقل و تخصصی ارائه کند. از این‌رو، داده‌های فنی و برآوردهای مربوط به زمان گریز صرفاً برای روشن‌کردن زمینه مفهومی و راهبردی بحث به‌کار گرفته می‌شوند، نه به‌عنوان یافته مستقل فنی این پژوهش.

مبانی مفهومی

دو مفهوم بنیادین مقاله پیش‌رو که یکی می‌تواند عامل دیگری نیز باشد، «گریز هسته‌ای»[1] و «بازدارندگی»[2] است. در واقع، رسیدن به نقطه راهبردی «گریز هسته‌ای»، می‌تواند از خصیصه بازدارندگی برخوردار باشد و از این حیث از نظر راهبردی، تفاوت ماهوی میان دانش نیل به این نقطه و ساخت تسلیحات اتمی وجود ندارد. در واقع آنچه در این رویکرد می‌تواند بازدارندگی در مقابل تهدیدات اتمی رقیب یا دشمن را به همراه بیاورد، نیل به دانش ساخت اتمی است که بدون رسیدن به نقطه گریز هسته‌ای امکان‌پذیر نمی‌باشد.

مفهوم گریز هسته‌ای و تمایز آن از دانش فنی ساخت سلاح هسته‌ای

زمان گریز هسته‌ای در تعریف رایج، عمدتاً به زمان لازم برای تولید مقدار کافی مواد شکافت‌پذیر با درجه تسلیحاتی اشاره دارد و لزوماً معادل دستیابی به دانش طراحی، سلاح‌سازی، مونتاژ یا ساخت یک سلاح قابل استفاده نیست. هرچند گاهی از «گریز هسته‌ای» که می‌توان از آن به «نقطه غیرقابل برگشت»[3] یا در ادبیات این مقاله، «دانش فنی ساخت» سلاح اتمی نیز تعبیر می‌شود. این زمان به‌طور پیوسته و مکرر در ادبیات تحلیلگران و رسانه‌های غربی برنامه هسته‌ای ایران بیان می‌شود، اما تبیین دقیقی از این عبارت و نحوه محاسبه گریز هسته‌ای ارائه نمی‌شود. تعریف و ارزیابی توانایی گریز، نقش مهمی در ادراک و عملکرد استراتژیست‌ها و دیپلمات‌های کشورهای درگیری دیپلماسی هسته‌ای دارد. چراکه فهم درست از توانایی گریز هسته‌ای هر دولتی می‌تواند نوع تعاملات سایر دولت‌ها را با آن تنظیم و تقدیر نماید. با تحقیق درباره تعریف مفهوم گریز هسته‌ای به طور کلی با دو دسته تعریف مواجه می‌شویم:

تعریف اول: زمان لازم برای دستیابی به قابلیت تسلیحات هسته‌ای به‌عنوان یک عمل انجام شده

در مقالات و مطالب رسانه‌ای که به‌طور مثال به گریز هسته‌ای هند و پاکستان اشاره دارند، گریز هسته‌ای، معادل خیزش این دو کشور و آزمایش موفقیت‌آمیز بمب هسته‌ای در سال ۱۹۹۸ تعریف می‌شود. ایوانکا بارزاشکا در مقاله خود که در «فدراسیون دانشمندان امریکایی»[4] در سال ۲۰۱۱ منتشر شد، توانایی گریز را زمان لازم برای ساخت یک بمب تعریف می‌کند و می‌گوید: «در ساخت یک سلاح هسته‌ای مراحل مختلفی وجود دارد؛ طراحی بمب، تولید سلاح‌های کافی قابل استفاده از مواد شکافت‌پذیر[5] یا پلوتونیوم و «سلاح‌سازی» از مواد، یعنی مونتاژ فیزیکی بمب و تست آن» (بارزاشکا[6]، ۲۰۱۱/۰۱/۲۱: ۳). بدین‌ترتیب، بر اساس این نوع تعریف تا زمانی‌که کلاهک اتمی قابل نصب بر روی موشک‌های دوربرد بین‌قاره‌ای یا بمب‌های قابل حمل توسط هواپیماهای مخصوص ساخته و استفاده نشود، نقطه گریز غیرقابل بازگشت بی‌معنی خواهد بود.

1. nuclear escape point
2. deterrence
3. point of no return
4. Federation of the American Scientiists
5. HEU
6. Barzashka

تعریف دوم: زمان لازم برای دستیابی به مقدار کافی مواد شکافت‌پذیر درجه سلاح

در تعریف دیگر که بیشتر درباره برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌شود، زمان «گریز هسته‌ای» بر اساس تولید مواد شکافت‌پذیر تعریف و محاسبه می‌شود. نکته مهم در این تعریف این است که زمان لازم برای ساخت بمب و توانایی و تکنولوژی سلاح‌سازی و مونتاژ و تست لازم، در محاسبه زمان گریز هسته‌ای در نظر گرفته نمی‌شود. در این نوع تعریف، توان ساخت بمب به‌صورت پیش‌فرض در نظر گرفته می‌شود. به‌عنوان نمونه، دیوید آلبرایت، کارشناس ارشد مسائل امنیتی مؤسسه دانش و امنیت بین‌الملل، در برآوردی فنی–امنیتی مدعی شده است که جمهوری اسلامی با عبور از مرز غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم و به علت به کارگیری نسل‌های پیشرفته‌تر سانتریفیوژها تا نقطه گریز هسته‌ای کمتر از یک ماه فاصله دارد. به این ترتیب، طبق این ادعا جمهوری اسلامی می‌تواند در مدت زمانی کمتر از یک ماه به مواد مورد نیاز برای تولید یک بمب هسته‌ای دست یابد. همین گزارش در ادامه می‌نویسد، جمهوری اسلامی در یک بازه زمانی سه ماهه قادر به تولید اورانیوم مورد نیاز برای ساخت بمب دوم و در یک بازه پنج ماهه قادر به دسترسی به مواد مورد نیاز برای تولید بمب سوم خواهد بود (آلبرایت و سارا، ۲۰۲۲/۰۶/۰۱: ۱–۲). بدین‌ترتیب، تعبیر «گریز هسته‌ای» که از سوی طرف غربی معمولاً در حاشیه مذاکرات دوره‌ای هسته‌ای مطرح می‌شود، ناظر به «زمان مورد نیاز برای تولید مقدار کافی مواد شکافت‌پذیر درجه سلاح» است که در این تعریف توانایی ساخت سلاح مفروض گرفته شده است و از این‌رو اساساً با شرایط فنی و علمی ایران به منظور ساخت واقعی کلاهک‌های اتمی، یعنی زمان لازم برای دستیابی به قابلیت تسلیحات هسته‌ای به‌عنوان یک عمل انجام شده، همخوانی ندارد چراکه مطابق با این تعریف زمان گریز هسته‌ای برای ایران بالاتر از دو سال خواهد بود. از این‌رو در اختیار داشتن مواد شکافت‌پذیر به میزان کافی هنوز به معنای ساخت بمب هسته‌ای نیست و ساخت این بمب و نصب کلاهک هسته‌ای بر روی موشک‌ها امری زمان‌بر خواهد بود و بر اساس ارزیابی کارشناسان حداقل به دو تا سه سال زمان نیاز دارد.

در مجموع، با فرض این‌که منظور از «فرار هسته‌ای» زمان لازم برای تولید یک بمب اتمی است، از اختلاف نظرهای فنی و سیاسی درباره تعریف این مفهوم عبور می‌کنیم. چراکه در هرحال باید این مفهوم را ذیل مفهوم کلی «دانش/فناوری» منتهی به ساخت بمب اتمی بررسی کرد. به دیگر سخن بر فرض که طبق برداشت سیاسی و نه فنی، جمهوری اسلامی ایران به نقطه غیرقابل بازگشتِ گریز اتمی رسیده باشد، می‌بایست مبانی اخلاقی–فقهی و نه فنی–دانشی، این موضوع خصوصا مطابق با فتوای رهبری نظام مورد بحث و جدل قرار گیرد.

مفهوم بازدارندگی[1]

1. Deterrence

مفهوم بازدارندگی اساساً با ساخت و خصوصا «اعتبار تهدید»[1] و «هراس» از به‌کارگیری تسلیحات اتمی پیوند خورده است. به دیگر سخن، با آزمایش اولین نسل از سلاح‌های اتمی توسط ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در زمانه جنگ سرد، دیدگاه بشر از راهبرد پیروزی در جنگ به سمت راهبرد پیشگیری از جنگ با توسل به پتانسیل تهدید یا به عبارت دیگر به سمت راهبرد بازدارندگی سوق داده شده است. بدین‌ترتیب، فهم بازدارندگی بدون درک تأثیر چنین تسلیحاتی ناقص خواهد بود. به این ترتیب، اگر نگوییم «بازدارندگی» مهم‌ترین هدف از دستیابی به فناوری نظامی هسته‌ای است، دست‌کم یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های چهارگانه ساخت بمب استراتژیک اتمی است. «بقاء»، «پرستیژ»، «امنیت منطقه‌ای و سلطه سیاسی»، «استقلال و آزادی» از جمله اهداف راهبردی دیگر از دستیابی به فناوری ساخت بمب اتمی است (لطیفیان، ۱۹۹۷: ۱۶۹–۱۷۰).

با این توضیح، طرح بحث دانش نظامی اتمی به‌عنوان یک عامل مؤثر بازدارنده در چارچوب مفهوم بازدارندگی، در تحلیل اولیه خارج از منطق مباحث سنتی بازدارندگی قلمداد می‌شود. لیکن اگر فاصله نقطه گریز تا نقطه ساخت و به‌کارگیری تسلیحات اتمی از حیث استراتژیک کوتاه و در منطق بازدارندگی و خصوصاً در چارچوب اصل مقابله‌به‌مثل (قابلیت وارد کردن ضربه دوم)[2] معنادار باشد، می‌تواند از خصیصه بازدارندگی جدی برخوردار باشد. بر این اساس، می‌توان بدون دستیابی به فناوری تولید سلاح هسته‌ای، صرفاً با رسیدن به *قابلیت فنی تولید* چنین تسلیحاتی به هدف بازدارندگی رسید. چنان‌که رهبر فقید انقلاب با بیان این‌که: «ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم» (بیانات در جمع دانشجویان و کارکنان دانشگاه افسری ارتش، ۲۰۱۱/۱۱/۱۰). عملاً نوع رفتار ایران را منوط به رفتار طرف مقابل کرده‌اند که این موضوع حاکی از تسلط رویکرد تدافعی در تفکر راهبردی ایشان و قابل تطبیق به استراتژی «ضربه دوم متعارف» است که کاملا بر ابعاد دفاعی و پاسخگویی بر تهدیدات استوار است (برزگر و رضایی، ۲۰۱۷: ۱۶).

مبانی فقهی تأیید یا رد دانش ساخت بمب اتمی

اصولاً راهبرد بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی دینی و فقهی و مشخصا اندیشه دفاعی رهبری فقید نظام جمهوری اسلامی ایران صورت‌بندی شده است (ر.ک: تشکری‌پور، ۲۰۲۱: ۴۵–۷۷؛ کریمی، ۲۰۲۰: ۷۳–۱۰۰؛ احمدی، ۲۰۲۱: ۹–۴۶؛ سلامی و یداللهی، ۲۰۱۷: ۵–۳۲؛ مرادپیری، ۲۰۱۳:

1. Validity of Threat

۲. دکترین امنیتی ایران، اصولاً، دکترین دفاعی، و بر مبنای "بازدارندگی متعارف غیر متقارن"، و با تمرکز بر "استراتژی ضربه دوم"، سازمان داده شده است. مطابق رویکرد علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در کنفرانس امنیتی تهران، دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران در بخش دفاعی به دنبال بازدارندگی متعارف غیرمتقارن و با تمرکز بر استراتژی ضربه دوم است (شمخانی، اولین کنفرانس امنیتی تهران، ۱۳۹۵/۹/۲۱).

۸۳-۱۱۲؛ میرحسینی و دیگران، ۲۰۱۸: ۱۲۱-۱۴۳؛ برزگر و رضایی، ۲۰۱۷: ۷-۳۴)؛ بر این اساس تلاش برای فهم راهبرد بازدارندگی و خصوصاً جایگاه تسلیحات کشتار جمعی (اعم از دانش فنی ساخت، تولید و انباشت و به‌کارگیری) در راهبرد بازدارندگی بدون درک مبانی فقهی و دینی خصوصاً رویکرد فقهی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای غیرممکن می‌باشد. از این‌رو در ادامه مبانی فقهی نظری اصلی قابل طرح در حمایت از کسب دانش و مهارت ساخت بمب اتمی و یا در مخالفت با آن مورد مداقه قرار خواهد گرفت.

مبانی فقهی موافقت با کسب دانش ساخت

عدم تصریح فتوا به حرمت دانش ساخت و حدود دلالت سکوت

مهم‌ترین استدلال قابل طرح در تأیید فرضیه جواز فقهی کسب دانش ساخت تسلیحات کشتار جمعی از جمله بمب اتمی، «مسکوت» ماندن موضوع دانش ساخت چنین تسلیحاتی در فتوای تاریخی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، به‌عنوان فردی که حدود ۴ دهه رهبری نظام را به عهده داشته است. بر اساس این استدلال می‌توان مدعی شد، حوزه «دانش» و «فناوری» ساخت بمب اتمی از جمله مصادیق «*ما لانص فیه*» است و می‌توان با ابزار اجتهاد و به دلیل عدم مخالفت منصوص با آن، حکم به جوازش داد. در واقع طبق این دیدگاه، اگر رهبری نظام قصد و نیتی برای مخالفت با دانش و فناوری ساخت چنین تسلیحات داشتند، این امر را به تصریح در فتوای خود تعیین تکلیف می‌کردند. کما این‌که درباره تولید، انباشت و به‌کارگیری چنین تسلیحاتی تصریح داشته‌اند. از این‌رو عدم تصریح به چنین موضوعی در فتوای ایشان، حاکی از جواز ضمنی برای کسب دانش ساخت تسلیحات کشتار جمعی است:

به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر ***تولید*** و ***انباشت*** این‌گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همهٔ امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما ***کاربرد*** این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفهٔ همگان می‌دانیم» (متن فتوا درباره حرمت سلاح اتمی: ۲۰۱۰/۰۲/۱۲).

وفق همین استدلال، در هیچ‌کدام از سخنرانی‌های مهم رهبری فقید با موضوع راهبرد اتمی جمهوری اسلامی ایران پس از آغاز چالش هسته‌ای در روابط ایران و قدرت‌ها از تابستان ۲۰۰۲، حرمت «دانش فنی» ساخت مورد تصریح قرار نگرفته و صرفاً به انحاء مختلف تولید، نگهداری و به‌کارگیری آن حرام اعلام شده است (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۲۰۱۰/۰۲/۱۹؛ دانشمندان هسته‌ای، ۲۰۱۲/۰۲/۲۲؛ شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۲۰۱۲/۰۸/۳۰؛ دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۰۱۳/۰۹/۱۷؛ مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام ۲۰۱۵/۰۴/۰۹؛ دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۲۰۱۵/۰۴/۱۹؛ در دیدار جمعی از نخبگان و استعدادهای برتر علمی کشور، ۲۰۱۹/۱۹/۰۹؛ دیدار خبرگان رهبری ۲۰۲۱/۰۱/۲۳). به این ترتیب، بر اساس تحلیل محتوای درون‌مایه سخنان مطروحه، می‌توان به این نتیجه رسید که شمولیت تحریم قطعی شرعی، صرفاً ناظر به

مراحل «ساخت»، «نگهداری/انبار» و «استفاده» از تسلیحات کشتار جمعی نظیر سلاح‌های اتمی است و شامل مراحل فنی پشتیبان تولید تسلیحات مزبور نمی‌شود.

انگاره تفکیک تولید از به‌کارگیری و دانش ساخت از ساخت

بر اساس انگاره تفکیک ساخت از دانش فنی ساخت، می‌توان به قیاس اولویت رجوع و این‌گونه استدلال کرد که وقتی طبق برخی ادله مطروحه و مشخصاً آیه اِعداد (آیه ۶۰ سوره انفال)، «ساخت» تسلیحات کشتار جمعی بدون قصد «استفاده» و صرفاً برای «ارهاب» دشمن می‌تواند مجاز باشد (سلیمانی و حسینی، ۲۰۲۱: ۲۲۸-۲۲۶)، به طریق اولی کسب دانش آن نیز بدون قصد ساخت می‌تواند مجاز تلقی گردد. به عبارت دیگر همان‌گونه که حتی «ساخت» سلاح اتمی با هدف بازدارندگی، چنانچه با هدف «استفاده» و «به‌کارگیری» نباشد و صرفاً و انحصاراً به قصد بازدارندگی و ایجاد رعب در دشمن ساخته شود منع اخلاقی و فقهی ندارد، هرگونه دانشی از جمله دانش ساخت بمب اتمی صرفاً و انحصاراً به قصد بازدارندگی و ایجاد رعب در دشمن کسب شود نیز منع اخلاقی و فقهی ندارد.

از این‌رو، اگر هدف راهبردی اصلی در استراتژی بازدارندگی اسلام را «ایجاد ترس» در دشمن به منظور بازداشتن او از حمله یا تهدید به حمله بدانیم، دو موضوع «دانش ساخت» و حتی «ساخت» تسلیحات اعم از تسلیحات متعارف یا غیرمتعارف به‌مثابه مقدمه چنین هدفی تلقی شده و از این حیث نه تنها امری غیرحرام بلکه واجب تلقی می‌شود. در واقع آنچه در آیه اِعداد به‌عنوان کلیدواژه بازدارندگی مورد استفاده قرار گرفته، فعلِ «ترهبون» است. چراکه آیه مزبور اشاره به شرایط و مقتضیات تسلیح مسلمانان به سلاح یا تسلیحاتی دارد که امنیت دشمن را به‌صورت بالقوه و نه به‌صورت بالفعل به مخاطره می‌اندازد و رغبت و انگیزه وی را برای تجاوز و تعدی از میان ببرد یا کاهش دهد. بر این اساس، تأکید علامه طباطبایی بر لزوم جمع‌آوری قدرت با هدف ترساندن دشمن به‌عنوان عامل دافع او (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ‌ق: ۱۱۴)؛ تأکید آیت‌الله مکارم شیرازی بر رعب‌افکنی در دل و ذهن دشمن به‌عنوان هدف غایی از تجهیز به وسایل جنگی و سلاح‌ها (مکارم‌شیرازی، ۱۹۹۵: ۲۲۵)؛ تأکید تفسیر طبرسی بر لزوم از میان بردن رغبت دشمن به حمله به‌عنوان هدف اصلی تجهیز به قدرت تسلیحاتی (طبرسی، ۱۴۱۵ق: جلد۴: ۸۵۳)؛ از جمله تفاسیر قابل اعتنایی هستند که معنای فوق از«رهب» را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهند.

بر این اساس، آنچه که به‌عنوان امر واجب در آیات مختلف قرآن در راهبرد دفاعی و بازدارندگی اسلام مورد تأکید قرار گرفته، اصل دفاع از دین، سرزمین، حکومت اسلامی، جان و مال و عِرض مسلمانان به‌واسطه ایجاد بازدارندگی ناشی از «هراس» دشمن از توان و تجهیزات نیروهای خودی است و از این‌رو دانش فنی ساخت سلاح نیز، به‌واسطه آنکه مقدمه این واجب به‌شمار می‌رود، وجوب غیری (در مقابل وجوب ذاتی) می‌یابد. در واقع، دانش ساخت سلاح، به‌طور ماهوی و ذاتی وجوب شرعی و تکلیفی ندارد بلکه از باب آن‌که مقدمه یک واجب دیگر یعنی دفاع از دین و سرزمین و حکومت دینی است، وجوب پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، اگر قرار باشد، دفاع امری بدیهی و واجب عقلی- شرعی قلمداد شود، مقدمه دفاع (کسب دانش

فنی ساخت) نیز امری واجب و مؤثر قلمداد می‌شود. بدین‌سان استدلال مطرح در این خصوص آن است که چنانچه دفاع از سرزمین و حکومت اسلامی مستلزم مقدمه‌ای از قبیل کسب دانش و مهارت ساخت سلاح اتمی باشد، عقلاً و منطقاً اشکالی بر آن وارد نیست.

عدم ملازمه عقلی میان مقدمه حرام(دانش) و حرام(ساخت بمب اتم)

از لحاظ علم اصول، تأیید یا رد این گزاره که «مقدمه حرام، حرام است» و بین حرمت ذی‌المقدمه و حرمت مقدمه، ملازمه عقلیه وجود دارد، محل نزاع و مناقشه است. به‌عنوان نمونه، آخوند خراسانی بین مقدمه تولید یک امر حرام و غیر آن تمایز گذاشته است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹هـ‌ق: ۱۲۷). به این معنا که گاهی اوقات، مقدمه امر حرام، به‌گونه‌ای است که در صورت انجام آن، ذی‌المقدمه نیز خودبخود محقق می‌شود و در واقع انجام آن اختیاری نخواهد بود (نایینی، ۱۹۷۲: ۲۴۹). در نقطه مقابل اگر مقدمه امر حرام به نحوی باشد که با انجام آن، تحقق ذی‌المقدمه از اختیار خارج نمی‌شود و با وجود انجام مقدمه، همچنان اختیار انجام یا عدم انجام ذی‌المقدمه برای فاعل آن محفوظ خواهد بود، در این صورت مقدمه حرام نخواهد بود (نایینی، ۱۹۷۲: ۲۵۰–۲۵۲؛ خوئی، ۱۴۱۹هـ‌ق: ۳۶۱–۳۶۲؛ صدر، ۱۴۲۵هـ‌ق: ۲۶۱–۲۶۵). نفی ملازمه اجباری و عقلانی میان مقدمه حرام و امر حرام در نظرات فقهی آیت‌الله خمینی (موسوی‌خمینی، ۱۴۱۴ق: ۴۱۶) و آیت‌الله خوئی (خوئی، ۱۴۱۹ هـ‌ق: ۲۸۲–۲۸۴) نیز قابل مشاهده است. بدین‌سان نه از نظر آیت‌الله خمینی(ره) و نه محق خوئی مقدمه حرام نمی‌تواند الزاماً و قهراً منتهی به حرام شود و این دلیل برای اثبات حرمت مقدمه حرام، کافی نمی‌باشد (ربانی و روحانی، ۲۰۲۱: ۸۷–۱۰۷).

به این ترتیب، یکی از استدلال‌های مطروحه در خصوص جواز کسب دانش ساخت بمب اتمی، تمایزگذاری میان مقدمه حرام از فعل حرام است. بر اساس چنین استدلالی هیچ دلیل و برهان مستندی مبنی بر پذیرش لزوم سنخیت مقدمه(دانش فنی) و ذی‌المقدمه (ساخت بمب اتمی) وجود ندارد. بدین‌سان، کسب و حصول دانش ساخت بمب اتمی (به‌عنوان مقدمه فعل ساخت بمب اتم) نمی‌تواند همانند خود ساخت (فعل حرام)، حرام شرعی و ممنوع اعلام گردد. از این جهت کسب دانش فنی را می‌بایست از خود ساخت منفک کرد. به این ترتیب، چنانچه دانشمند دانش فنی ساخت بمب اتمی قصد استفاده از دانش خود در مسیر ساخت یا به‌کارگیری چنین تسلیحات کشتار جمعی را نداشته باشد، الزامی به وجود سنخیت فوق‌الذکر وجود نخواهد داشت. به زبان ساده‌تر زمانی می‌توان گفت که مقدمه حرام خود نیز حرام است که فاعلِ مقدمه (دانشمند یا دولت کسب‌کننده دانش ساخت بمب اتم)، قصد ساخت یا اراده سیاسی یا به‌کارگیری ذی‌المقدمه را داشته باشد. بر اساس این استدلال، اصولاً مقدمه یک امر واجب یا حرام صرفاً از باب وجوب متغیری خارج از مقدمه تبدیل به فعل یا ترک فعل واجب یا حرام می‌شود. به‌عنوان مثال، نفس برخورداری از دانش فنی ساخت بمب اتمی بدون وجود عامل مستقل دیگر یعنی اراده تبدیل مقدمه (دانش) به نتیجه (ساخت) منتهی به نتیجه نمی‌شود. از این‌رو تا اراده یک حاکمیت به منظور تبدیل دانش ساخت بمب اتمی به ساخت بمب اتمی وجود نداشته باشد، نباید حکم به حرمت مقدمه داد.

مبانی فقهی مخالفت با دانش ساخت بمب اتمی

حرمت کسب دانش ساخت بمب اتمی به‌مثابه مقدمه حرام

فرض این دلیل آن است که از آنجاکه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به دلیل حرمت اهلاک الحرث و النسل (حب‌الله، ۲۰۱۱: ۳۷۰) حرام است، تولید این نوع سلاح‌ها و انباشت و نگهداری آنها نیز به‌عنوان مقدمه حرام، حرام قلمداد می‌شود. همین استدلال به «دانش ساخت» به‌عنوان مقدمه‌ای بر مقدمات تولید تسلیحات کشتار جمعی قابل تسری است. بر این اساس و برخلاف استدلال عدم ملازمه منطقی میان ذی‌المقدمه و مقدمه، دو استدلال قابل طرح است: اولاً، هرچند مقدمه امر واجب یا حرام صرفاً از باب و به شرط وجوب غیری، خود به امری واجب یا حرام تبدیل می‌شود که باید به انجام یا پرهیز از انجام آن متعهد بود، اما مقدمه نیل به چنین هدفِ حرام یا واجبی نیز می‌بایست از جنس و سنخ خود ذی‌المقدمه باشد. یعنی دکترین دفاعی یک نظام اسلامی و مبتنی بر قواعد اخلاقی باید سلاح‌هایی را مجاز بشمارد که ماهیت و جنبه تدافعی بالذات دارند و نه خصوصیت تهاجمیِ مخرب. بدین معنا که سلاحی که استفاده از آن در شرایط دفاعِ مشروع لازم است، تولید آن نیز از باب وجوب مقدمه واجب، لازم است و سلاحی که «استفاده» از آن در شرایط دفاع مشروع ممنوع است، «تولید» آن نیز از جهت حرمت کاری که مستلزم حرام است، ممنوع می‌باشد (شریف‌کاشانی، ۱۴۰۴ هـ‌ق:۲۰).

ثانیاً، چنان‌که مرحوم شیخ انصاری نیز در مکاسب محرمه و در تفسیر صناعات مطرح می‌کند، حرفه‌های حرام عبارت از آن حرفه‌هایی که یا مقدمه‌ای بر فسادند یا خود آن حرفه و صنعت آمیخته با فساد باشد. با این ملاحظه، هرگونه آموزش، یادگیری، اشتغال یا عمل کردن به این صنایع و حِرَف و هرگونه فعالیت مقدماتی دیگر نیز در این زمینه حرام تلقی می‌شود. ذیل این تقسیم‌بندی است که می‌توان گفت از آنجا که هرگونه بهره‌گیری از بمب اتم، فاقد وجه تأمین صلاح عمومی جامعه و صلاح بین‌المللی است و فاقد هرگونه نتیجه مثبت و سازنده است، لاجرم هرگونه مقدمه ورود به آن از یادگیری دانش، برای ساخت بمب اتم و نیز اشتغال به ساخت بمب اتم نیز به‌عنوان مقدمه حرام، حرام خواهد بود (ر.ک. سبحانی، همایش ملی فقه اسلامی، ۲۰۱۴/۰۲/۱۹). بر اساس چنین استدلالی هرگونه مقدمه منتهی به استفاده از تسلیحاتی اتمی اعم از مقدمات قریب (شامل تولید و انباشت) و مقدمات بعید (هرگونه دانش و فناوری منتهی به ساخت) از مصادیق مقدمه حرام قلمداد شده و حرام شرعی است. ذکر این نکته در این بخش ضروری است که قرب و بُعد مقدمه صرفاً با فاصله زمانی آن از نتیجه تعیین نمی‌شود؛ میزان اختصاص، پیوند علّی و کارکردی و نقش آن در تحقق فعل نهایی نیز اهمیت دارد. یک دانش عمومی ممکن است کاربردهای متعدد و مشروع داشته باشد و ارتباط آن با ساخت سلاح بسیار غیرمستقیم باشد؛ اما یک فعالیت تخصصی که منحصراً برای تحقق یک مرحله از طراحی یا ساخت سلاح انجام می‌شود، از حیث پیوند با فعل نهایی وضعیت متفاوتی دارد.

فقدان بازدارندگیِ دانش بدون ساخت

بر اساس ادبیات مطالعات استراتژیک آن چیزی که به تجهیزات و تسلیحات خاص، خاصیت بازدارندگی می‌دهد، *توان* ساخت و خصوصاً *اراده* به‌کارگیری تسلیحات مزبور است. بدیهی است چنان‌که تجهیز به سلاح یا فناوری ساخت آن، عمدتاً جنبه پرستیژی و هویتی پیدا کند، این خاصیت را از دست خواهد داد. به‌عبارت دیگر، تجهیز به ادوات جنگی کارامد در مقابل دشمنان صرفاً زمانی بازدارنده خواهد بود که به قصد استفاده در وقت ضرورت، توان فنی و اراده سیاسی استفاده از آن وجود داشته باشد. در غیر این‌صورت اهتمام به امری که از ابتدا منع اخلاقی یا دینی بر نگهداری یا استفاده از آنها وجود دارد، مصداق امر لغو و در نتیجه غیربازدارنده تلقی خواهد شد. با این توضیح، اگر فرض شود که «اِعداد» صرفاً به معنای آمادگی برای ارهاب دشمن و نه لزوماً به‌کارگیری آن تسلیحات است، دچار خطای راهبردی شده‌ایم. در واقع می‌بایست به مقدمه لزوم آمادگی برای هراس‌افکنی در دشمن، مقدمه دیگری نیز افزود تا بر جواز به‌کارگیری دلالت کند و آن مقدمه عبارت است از لزوم رعایت قاعده عقلی و عرفی پرهیز از لغو و بیهودگی. بنابراین، اگـر شارع مقدس امر به «اِعداد» کرده است، غرض اصلی او *استفاده از آخرین تجهیزات روز نظامی در وقت ضـرورت* اسـت وگرنه اگر بنای استفاده ازآن نباشد، تولیدش نیز امری بیهوده خواهد بود؛ چراکه قدرت ارهاب و بازدارندگی آن از بین خواهد رفت. بنابراین خداوند در این آیه امر به آن مقدار قدرت و توان نظامی کرده که به‌طور متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرد و دشمن تردید ندارد که لشکر اسلام در صورت لزوم از آنها بهره خواهد برد، نه امر به تولید تسلیحاتی که امکان استفاده از آن وجود ندارد. چراکه در این صورت مایه إرهاب و بازدارندگی نخواهد بود (سلیمانی و حسینی، ۲۰۲۱: ۲۲۷). به تعبیر هانس.جی.مورگنتا، برخی از گونه‌های قدرت با وجود تأثیرگذاری، قابلیت استفاده ندارند. به‌عنوان نمونه، تسلیحات هسته‌ای با وجود عنصر تخریبی جدی آنها، در صحنه بین‌الملل هم به دلیل ترس از دریافت ضربه دوم هسته‌ای و هم پیامدهای بسیار مخرب بر بقاء کره زمین و بشر توسط دارندگان آنها علیه یکدیگر عملاً به «قدرت غیرقابل استفاده»[1] بدل شده‌اند (مورگنتا[2]، ۱۹۶۲: ۲۳). از این حیث، دانشی که منتهی به قدرت غیرقابل استفاده می‌گردد، اساساً از مصادیق «علم غیرنافع» و امری لغو و عبث خواهد بود. با این تحلیل، علاوه بر «ساخت» و «استفاده» از تسلیحات اتمی، حتی «دانش فنی ساخت» آنها نیز به‌عنوان مقدمه به‌کارگیری، امری حرام و غیرشرعی خواهد بود چرا که تأکید بر دانش ساخت و تفکیک آن از استفاده از حیث راهبرد بازدارندگی امری مهمل و عبث قلمداد می‌گردد.

اتلاف سرمایه‌های مادی - انسانی (تبذیر)

با استناد به رویکرد فقهیِ مقدمه حرام(دانش ساخت) همانند خود فعل حرام (به‌کارگیری تسلیحات اتمی)، ممنوع است، هرگونه تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، علاوه بر این که هیچ بازدارندگی و نفعی ندارد، لاجرم مصداقی از مصادیق آشکار هدر دادن سرمایه جامعه و «تبذیر» است که خود در آیه ۲۷ سوره

1. Unusable power
2. Morgenthau

اسراء مورد نهی و منع جدی قرآن قرار گرفته است. استدلال قابل طرح این است که در شرایطی که به دلایل متعدد از جمله هزینه گزاف نگهداری تسلیحات اتمی، تنفر افکار عمومی داخلی و جهانی و محکومیت جامعه بین‌المللی، و در یک کلام عدم بازدارندگی مؤثر به‌واسطه تسلیح به چنین تسلیحاتی، به‌کارگیری آن‌ها عملاً منتفی است و امنیت حاصل از آن نیز یک امنیت کاذب و قلمداد می‌شود، هزینه‌کرد منابع معتنابه اقتصادی و انسانی برای آن از مصادیق آشکار اسراف و تضییع اموال عمومی است و حرمت اسراف و تضییع اموال نیز امری بدیهی به شمار می‌رود. چنان‌که رهبری فقید نظام نیز تصریح داشتند:

واقعاً سلاح هسته‌ای به صرفه‌ی ما نیست؛ ..... ما استفاده‌ی از این تسلیحات را گناه بزرگ می‌دانیم و نگهداشتنش را یک کار بیهوده‌ی پرضررِ پرخطر می‌دانیم ...» (بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای، ۲۰۱۲/۱۲/۲۲؛ اصرار این دولت‌ها بر نگهداری، افزایش و گسترش توان تخریبی این سلاح‌ها، که هیچ کاربردی جز ارعاب و ترور دسته‌جمعی و ایجاد امنیت کاذب، مبتنی بر بازدارندگی ناشی از نابودی تضمین‌شده همگانی نداشته و ندارد، استمرار کابوس هسته‌ای جهان را به دنبال داشته است. منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیرعقلانی هزینه شده‌اند تا هر یک از ابرقدرت‌ها توان خیالی پیدا کنند» (بیانات درپیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه، ۲۰۱۰/۰۴/۱۷).

بدین‌ترتیب، یکی از مصادیق بارز تبذیر، سرمایه‌گذاری مادی و معنوی روی کلیه روندهای ساخت و به‌کارگیری تسلیحاتی است که عملاً جنبه بازدارندگی ندارند. خصوصاً این‌که اگر بپذیریم جنبه روانی بازدارندگی و مشخصاً «اعتبار تهدید»، عامل اصلی و تعیین‌کننده هرگونه سیاست بازدارندگی قلمداد می‌شود. به دیگر سخن، مؤلفه تعیین‌کننده بنیادین در راهبرد بازدارندگی «ادراک» از تهدید در دشمنان است. به‌عنوان نمونه، باورپذیری اعتبار تهدیدات متقابل اتمی بین دو قدرت اصلی در فضای جنگ سرد، شرایط بازدارندگی اتمی را در آن مقطع فراهم کرده بود. به این ترتیب بازدارندگی بیش و پیش از آن‌که مسئله‌ای استراتژیک قلمداد شود، رابطه‌ای روان‌شناختی قلمداد می‌شود. به این معنا که رقبای مسلح به تسلیحات استراتژیک باید باور کنند که رقبای مقابلشان توانایی و اراده جدی برای عملی کردن تهدید را داراست. بدین‌سان، اگر دولت حریف اعتباری برای تهدید صورت گرفته قائل نباشد، بازدارندگی اثربخش انجام نگرفته است و این مسئله، یکی از مخاطرات جدی استراتژی بازدارندگی است. با این توضیح، اتخاذ هرگونه رویکرد امنیتی، کاملاً وابسته به ادراک از تهدیدات موجود است (نوریان، ۲۰۰۹: ۸۵-۱۰۹). اهمیت عامل روانی در مباحث بازدارندگی مؤثر آنقدر حیاتی است که گاهی بر عوامل عینی و واقعی توان بازدارندگی می‌چربد. چنان‌که هنری کیسینجر، در یکی از جملات مهم خود تصریح دارد: «بلوفی که جدی قلمداد شود، مؤثرتر از تهدید جدی است که بلوف دانسته شود».

فقه‌المصلحه، تغییر شرایط امنیتی و ارزیابی حکم دانش ساخت

یکی از ملاحظات مهم در ارزیابی فقهی دانش فنی ساخت سلاح هسته‌ای، توجه به نسبت میان حکم شرعی و شرایط متغیر موضوع است. در فقه سیاسی، بررسی یک مسئله بدون توجه به شرایط زمانی و مکانی،

مصالح عمومی، پیامدهای اجتماعی و امنیتی و نسبت مصلحت و مفسده، ممکن است به نتیجه‌ای ناقص منتهی شود. با این‌حال، توجه به مصلحت به معنای کنارگذاشتن ضوابط شرعی یا تبدیل هر مصلحت ادعایی به مجوز تغییر حکم نیست؛ بلکه مستلزم تشخیص دقیق موضوع، احراز مصلحت معتبر و بررسی نسبت آن با ادله و قواعد شرعی است. در مسئله حاضر، دست‌کم سه سطح از بحث را باید از یکدیگر تفکیک کرد. سطح نخست، حکم شرعی ساخت و به‌کارگیری سلاح هسته‌ای است که باید با توجه به مفاد ادله و مبانی فقهی مربوط بررسی شود. سطح دوم، حکم دانش و فناوری مرتبط با ساخت چنین سلاحی است که لزوماً با حکم ساخت و استفاده یکسان نیست و ارزیابی آن به میزان ارتباط دانش با فعل ممنوع، قصد تحصیل و کارکرد آن بستگی دارد. سطح سوم، تشخیص مصلحت و ضرورت امنیتی در شرایط خاص است که می‌تواند در ارزیابی موضوع، اولویت‌های دفاعی و سیاست‌گذاری عمومی اثرگذار باشد. از این منظر، تغییر شرایط امنیتی، از جمله افزایش تهدیدهای نظامی علیه موجودیت یک کشور یا وقوع حمله از سوی دولت‌های برخوردار از سلاح هسته‌ای، می‌تواند در تشخیص موضوع و ارزیابی مصلحت و مفسده نقش داشته باشد. برای مثال، هنگامی‌که یک دولت با تهدیدی وجودی مواجه می‌شود، ضرورت حفظ جان شهروندان، تمامیت سرزمینی و استمرار نظم سیاسی، اهمیت بیشتری در محاسبات دفاعی پیدا می‌کند. با این‌حال، از وقوع تهدید یا حمله نمی‌توان بی‌واسطه جواز ساخت یا استفاده از هر نوع سلاح را نتیجه گرفت؛ زیرا همچنان باید نسبت آن اقدام با قواعد فقهی، ادله حرمت، ضرورت، تناسب و پیامدهای آن بررسی شود. همچنین باید میان تغییر موضوع و تغییر حکم تمایز گذاشت. اگر شرایط جدید موجب شود موضوعی که پیش‌تر فاقد مصلحت کافی یا دارای مفسده غالب تلقی می‌شد، واجد مصلحت دفاعی مهمی شود، ممکن است ارزیابی فقهی و حکومتی آن موضوع نیازمند بازنگری باشد. اما چنین بازنگری‌ای مستلزم احراز معتبر تغییر شرایط و تعیین مرجع صالح برای تشخیص و تصمیم‌گیری است. بنابراین، نمی‌توان صرفاً با استناد به تغییر محیط امنیتی، از تغییر خودکار حکم شرعی سخن گفت.

در همین چارچوب، فتوای حرمت سلاح‌های کشتارجمعی باید با دقت از حیث موضوع و قلمرو دلالت بررسی شود. اگر موضوع فتوا ساخت، نگهداری و به‌کارگیری سلاح باشد، تسری آن به تمامی سطوح دانش و فناوری مرتبط، نیازمند استدلال مستقل است. در مقابل، اگر دانش تخصصی مورد نظر به‌گونه‌ای باشد که عملاً و به‌طور هدفمند در خدمت تحقق فعل ممنوع قرار گیرد، نمی‌توان صرف عنوان «دانش» را برای خروج آن از قلمرو ارزیابی فقهی کافی دانست. بر این اساس، فقه‌المصلحه نه مجوزی مطلق برای عبور از محدودیت‌های شرعی است و نه مانعی برای بازشناسی شرایط متغیر امنیتی. کارکرد آن در مسئله حاضر، فراهم‌کردن چارچوبی برای سنجش دقیق‌تر مصلحت و مفسده، تشخیص موضوع و بررسی نسبت میان دانش فنی، کارکرد بازدارنده و ممنوعیت شرعی است. از این‌رو، ارزیابی جایگاه دانش ساخت سلاح هسته‌ای باید هم‌زمان به مفاد فتوا، قواعد اصولی مربوط به مقدمه حرام و شرایط واقعی امنیتی توجه داشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

اگر در تفسیر فتوای رهبری فقید نظام «به‌کارگیری» تسلیحات کشتار جمعی همانند سلاح اتمی را بالأجماع حرام بدانیم و این نقطه را به‌عنوان نقطه مورد اجماع همه فقها و علماء از یک‌سو و استراتژیست‌های نظام جمهوری اسلامی از سوی دیگر فرض کنیم آنگاه باید گفت که هر گونه مقدمه‌ای که حکومت دینی ایران را به ورطه چنین حرمت می‌کشاند، حرام خواهد بود. به دیگر سخن و در تحلیل نهایی هرچند از حیث نظری می‌توان میان مقدمات قریب و مقدمات بعیدِ به‌کارگیری تسلیحات مزبور به‌عنوان درجات و سطوح متفاوت با درجه حرمت متفاوت، تمایز گذاشت، لیکن در عمل همه این مقدمات اعم از قریب یا بعید، سطوح مختلف از یک واقعیت واحد(به‌کارگیری بمب اتمی) هستند. در واقع همان‌گونه که ساخت و انباشت تسلیحات مزبور، جزو مقدمات قریب اعلام ممنوعیت شرعی آنها به شمار می‌روند، تلاش برای کسب دانش ساخت آنها نیز جزو مقدمات بعید ارتکاب آن به‌شمار می‌رود و بنابراین، تفاوتی محتوایی میان آنها از حیث حرمت، قابل پذیرش نیست. به این ترتیب نکات راهبردی ذیل در جمع‌بندی بحث این نوشتار قابل تأمل است:

اولاً، حرکت به سمت کسب توان فنی تولید بمب اتمی اگر با نیت و اراده سیاسی و حاکمیتی عدم استفاده از آن باشد، قطعاً نمی‌تواند بازدارندگی لازم را به همراه بیاورد. در واقع، از حیث راهبردی، چنین دانشی به شرطی می‌تواند بازدارنده باشد که طرف مقابل، فتوای رهبری فقید به منظور منع استفاده از بمب اتمی را نه یک فتوای شرعی و غیرقابل تغییر بلکه یک حکم حکومتی موقتی قلمداد کند. وگرنه سرمایه‌گذاری مالی– انسانی و متحمل شدن هزینه‌های سیاسی و اقتصادی به منظور کسب دانش هسته‌ای، امری عبث و مصداق هدردادن بیت‌المال خواهد بود مگر آن‌که همان‌گونه که تصریح شد فتوای حرمت ساخت را حکمی حکومتی و نه فتوای شرعی قلمداد کرد که می‌تواند با توجه به تغییر مقتضیات زمان و مکان (از جمله تهدید موجودیت اصل نظام و بر اساس قاعده کلی حفظ نظام از اوجب واجبات، مانند احکام اولیه است) تغییر یابد و ادارک طرف‌های تهدیدکننده موجودیت جمهوری اسلامی را نیز از این حیث تحت تأثیر قرار دهیم؛

ثانیاً، هر چند رسیدن به توانمندی فنی تولید بمب اتمی به‌عنوان مقدمه امر حرامِ به‌کارگیری تسلیحات اتمی، می‌تواند ضرورتاً منتهی به ارتکاب امر حرام نشود، و در واقع ملازمه منطقی و جبری میان این مقدمه (دانش فنی) و ذی‌المقدمه (ساخت بمب اتمی) وجود ندارد و بلکه متغیر واسطه‌ای به نام اراده سیاسی حاکمیت دارای دانش را می‌طلبد، لیکن عدم ملازمه میان این دو نیز از باب جهد بی‌حاصل و از مصادیق هدررفت منابع مالی و سرمایه انسانی (تبذیر) قلمداد می‌شود که جز اتلاف وقت و انرژی و بالابردن سطح اجماع بین‌المللی علیه نیات اتمی جمهوری اسلامی نخواهد داشت. به دیگر سخن، تا زمانی‌که انگاره غالب فقهی مطرح در فتوای حرمت، انگاره بمب اتمی به‌مثابه «سلاح غیرقابل استفاده» باشد، ما را به مفهوم «قدرت غیرقابل استفاده» نزدیک می‌کند که به دلیل غیرقابل استفاده بودن آن، مزیت استراتژیک بازدارندگی خود را از دست می‌دهد؛

ثالثاً، تا زمانی‌که مباحث فکری–فقهی جواز یا عدم جواز نیل به دانش ساخت بمب اتمی در محافل دانشگاهی و حوزوی به سرانجامِ واحد و منتهی به سیاست‌گذاری راهبردی نظام نرسد، پژواک گزاره «توان فنی» ساخت بمب اتمی صرفاً هزینه‌های مادی و روانی–رسانه‌ای جمهوری اسلامی را بالاتر خواهد بود. از

این‌رو به دلیل حساسیت زایدالوصف موضوع، می‌بایست سخنان مقامات رسمی جمهوری اسلامی در خصوص دانش ساخت بمب اتمی بر اساس پیش‌زمینه یک اجماع فکری و فقهی قابل قبول دینی و ملی مطرح شود. هرگونه اظهار نظر بدون لحاظ محتوای فتوای حرمت، می‌تواند در مقاصد و نیات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و مشخصاً وجهه رهبری تاثیرگذار فقید نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان منبع صادرکننده حرمت قطعی ساخت، نگهداری و به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی تشکیک وارد سازد و هزینه‌های غیرضروری بر نظام تحمیل کند. مگر آنکه مبانی فقهی جدیدی بر اساس فقه‌المصلحه مبتنی بر منطق و ضرورت برخوداری از دانش ساخت، نگهداری و به‌کارگیری بمب اتم با هدف حفظ موجودیت و تمامیت ارضی کشور و اراده سیاسی متناسب با آن به یک تصمیم جدید در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود.

Referrences

- Ahmadi, Alireza (2021). "Deterrence strategy from the perspective of political jurisprudence".*Two Scientific-Specified New Horizons in Political Jurisprudence Quaterly*. Year 9, No. 9. Spring & Summer: 9- 46. (In Persian)
- Al-Khoei, Abu al-Qasim (1419). *Dirāsāt fī al Elm-al Usul*. Qom. Institute of Dayerat ul ma'aref Fiqh al-Eslmi (Islamic jurisprudence on religion). First Edition. (In Arabic).
- Barzgar, Kayhan & Rezaei, Masoud (2017). "Iran's Defense Strategy Based on Views of the Supreme Leader Ayatollah Khamenei". *Strategic Studies Quarterly*. Vol.19. No. 4. Winter: 7-34. (In Persian)
- Ḥubb Allāh, Ḥaydar (1432-1436/2011-2015). *Dirāsāt fī al-fiqh al-Islāmī al-muʿāṣir*. Beirut. Dār al-Fiqh al-Islāmī al-Muʿāṣir. First Edition. (In Arabic)
- Iravani, MohammadReza; (2020). "Conceptualizing and modeling the defense thought of the Supreme Commander of the Armed Forces with an emphasis on his memoirs in the field of defense – military". Journal of Security Research, Vol.19. No. 70: 73-100. (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah (1414).*manahej al-usul ela Elm al-Usul*. Tehran. Imam Khomeini Education and Research Institute. (In Arabic)
- Khurasani, Muhammad Kazim (1409/1988). *Kifayat al-Usul*. Qom. Al El Bayt Institute. First Edition. (In Arabic)
- Kissinger, Henry.A. "Central Issues in American Foreign Policy". In Kermit Gordon (1968). Agenda for the Nation, ed. Washington, DC: Brookings Institution.
- Lotfian, Saaedeh (1997). "Different Theories of Nuclear Weapons Circulation: Deterrence, Nuclear Blackmail and Nuclear war". *Terhan University Journal of Law and Political Science*. Vol. 36. No.0:167-197. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser (1374SH/1995). *Tafsir Nomoneh*. Tehran. Dar al-Kotob al-Islamia. (In Arabic)

- Mir hoseini, seyed Mohsen; Rahimpour Asl Iraj; Ghayyemi Beshnoo, fatemeh (2017) "Study of Ayatollah Khamenei's defensive thinking Components (In the regional and international dimension)". *Journal of Politics and International Relations*. Vol 2. No.4: 121-143. (In Persian)
- Morad Piri, Hadi (2012). "Defense model in the defense thought of Hazrat Imam Khamenei (His Life is Eternal)". *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies on Strategic Knowlwdge* .No.9: 83-112. (In Persian)
- -Morgenthau, H. J. (1962). *Politics among Nations the Struggle for Power and Peace* (Brief Edition). McGraw-Hill
- Naini, Muhammad Hosein (1352SH/1973). *Ajvad al-Taqrirat*. Qom: Al-Irfan Press. (In Arabic)
- Nooriyan, Ardeshir (2009). "Perception and Validity in Security Theories". *Political Science Quarterly.* Vol. 12. No. 45: 85-109. (In Persian)
- Rabbani, Mahdi; Rouhani, Abbas Ali (2021). "Examining the Proofs of Permissibility or Prohibition of Production and Stockpiling of Weapons Mass Destruction". *Journal of Figh and Usul*. Vol.52. No.4: 87-107. (In Persian)
- Salami. Hosein; Yadollahi, Reza (2017). "Presentation Defensive pattern of the ideas of Imam Khamenei". *Quarterly Journal Scientific Research of Strategic Defence Studies*. Vol. 15. No. 69: 5-32. (In Persian)
- Sharif Kashani Habib Allah (1404). *Tasheel-al Masalek ela al-Madarek fi Rous alghavaed al- Feqhiah*. Qom: Al-Elmiyeh Press. First Edition. (In Arabic)
- Soleimani, Reza; Hoseini, Fatemeh (2021). "Jurisprudence reasons for sanctity of construction and use of nuclear weapons in the deterrence strategy of Islam". *Political and International Approaches Scientific Quarterly.* Vol. 13. No. 67: 207-236. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader at the Ggraduation Ceremony of the Students of the Army Officer Universities (November 10, 2011). Available at: https://www.leader.ir/fa/content/8873/www.leader.ir. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader In the meeting of 16th Summit of the Non-Aligned Movement (August 30, 2012). Available at: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20840. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader In the meeting of a group of Commanders and Employees of the Army of the Islamic Republic of Iran (April 19, 2015). Available at: https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1615&npt=6#53661. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader In the meeting of a group of Elites and Top Scientific Talents of the Country (October 9, 2019). Available at: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43704.(In Persian)
- Statements of the Supreme Leader In the meeting of Commanders of the Islamic Revolutionary Guard Corps (September 17, 2013). Available at: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24033. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader In the meeting of nuclear scientists (February 22, 2012). Available at: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19124. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader In the meeting of Praisers of the Ahl al-Bayt (Peace be upon them) (April 9, 2015). Available at: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29415. (In Persian)

- Statements of the Supreme Leader In the meeting of The Assembly of Experts (February 22, 2021). Available at: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47396. (In Persian)
- Statements of the the Supreme Leader in the Meeting of Contributors to the Construction of Jamaran Destroyer (February 19, 2010).Available at: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47392. (In Persian)
- Tabataba'i, Sayyed Mohammad Hussein. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom. Tabliqat-e Eslami Institution (The Islamic Publicity Office). (In Arabic)
- Tashakkoripour, Ahmad; Yusufund, Yaqub; Faraj Elahi Moghaddam (2021). "The Model of Maintaining and Promoting the Efficiency of the Basij in the Defense Thought of the Supreme Leader". *Defence Policy Quarterly*. Vol.30. No. 116: 45-77. (In Persian)
- Yadlin, Amos (March 8, 2009). "Iran Has Crossed the Nuclear Threshold". *Yet* Available at: https://bit.ly/2BP8XWR [in Hebrew].
- Broad, William J & Sanger, David E (October.3, 2009). "Report Says Iran Has Data to Make a Nuclear Bomb"**.** *The New York Times***.** Available at: https://www.nytimes.com/2009/10/04/world/middleeast/04nuke.html.
- Barzashka, Ivanka (January 21, 2011). "Using Enrichment Capacity to Estimate Iran's Breakout Potential". *Federation of the American Scientiists Issue Brief*. Available at: https://pubs.fas.org/_docs/IssueBrief_Jan2011_Iran.pdf
- Sobhani, Jafar (February 19, 2014).Message to the First "National Nuclear Jurisprudence Conference". *Ofogh Hoze.* Vol 12. No 385: 3-4. (In Persian)
- Fukushima, Mayumi (June 28, 2021). "Why Iran May Be in No Hurry to Get Nuclear Weapons Even Without a Nuclear Deal". *Rand Corporation*. Available at: https://www.rand.org/blog/2021/06/why-iran-may-be-in-no-hurry-to-get-nuclear-weapons.htm
- Bishara, Marwan (29 November 2021). "Why Iran may become a latent nuclear state". *Aljazeera*. Available at: https://www.aljazeera.com/opinions/2021/11/29/will-iran-become-latent-nuclear
- Alavi Borujerdi, Sayyid Muhammad Javad (February 5, 2022). Fatwa in response to the inquiry of Insaf News reporter. Available at: http://www.ensafnews.com/340660/. (In Persian)
- Albright, David & Burkhard, Sarah (June 1, 2022). "Iranian Breakout Timeline Now at Zero". *Institute for Science and International Security*. Available at: https://isis-online.org/isis-reports/mobile/iranian-breakout-timeline-now-at-zero

- آخوند خراسانی (۱۴۰۹ق). محمدکاظم بن حسین. *کفایة الأصول*. قم. مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول.
- حب‌الله، حیدر (۲۰۱۱م). *دراسات فی‌الفقه اسلامی المعاصر*. بیروت. دارالفقه الأسلامی المعاصر. چاپ اول.
- خمینی، روح‌الله (۱۴۱۴ق). *مناهج‌الوصول الی علم‌الأصول*. تهران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۹ق). *دراسات فی علم‌الأصول*. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی. چاپ اول.
- شریف‌کاشانی، حبیب‌الله (۱۴۰۴ق)، *تسهیل المسالک الی المدارک فی رئوس القواعد الفقهیه*. قم: المطبعه العلمیه. چاپ اول.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۵ق). *دروس فی علم‌الأصول*. بیروت. دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.

- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲). *اجود التقریرات (تقریرات خوئی)*. قم. مطبعه العرفان. چاپ اول.